



University of Tabriz

# Iranian Islamic Period History

Online ISSN: 2717-2902

Volum: 15 Issue: 40  
Autumn 2024

Pages: 85-108

Article Type: Research Article

DOI: 10.22034/JIIPH.2024.55622.2413

Received: 2023/02/27 Received in revised form: 2024/05/21 Accepted: 2024/06/10 Published: 2024/09/23

## A Reflection on the Narrative of Travelogues on Women's Leisure and its Connection with the Gender Order in Iran During the Qajar Era

Nizam Ali Dehnavi<sup>1</sup>| Leila Beiranvand<sup>2</sup>

### Abstract

The travelogues of the Qajar period present a narrative of women's leisure and entertainment, which offers valuable insights into the patterns that govern gender order and its impact on the formation of these patterns. These narratives highlight the position of women within a specific gender discourse, influenced by patriarchal culture, religious beliefs, and traditional norms. In this model of female recreation, the space and place of recreation, the means of recreation, and the behavioral and psychological actions surrounding recreation are shaped by patriarchal gender relations. This research aims to explore how the narratives of women's entertainment in the Qajar era travelogues reflect the effect of gender order on the formation of these entertainment patterns. The hypothesis is that the travelogues, by providing a detailed account, depict women's entertainment within the context of gender discourse and male authority. This study will employ a descriptive-analytical method.

**Keywords:** Qajar, recreation and entertainment, women, travelogues, narration.

1. Associate Professor, Department of History, Payam Noor University, Tehran, Iran  
(Corresponding Author) [n\\_dehnavi@pnu.ac.ir](mailto:n_dehnavi@pnu.ac.ir)

2. Master's degree in Iranian History, Islamic Period, Payam Noor University, Kermanshah, Iran  
[leila1401@gmail.com](mailto:leila1401@gmail.com)

شاپا الکترونیکی: ۲۷۱۷-۲۹۰۲

دوره: ۱۵، شماره: ۴۰

پاییز ۱۴۰۳

صفحات: ۱۰۸-۸۵

## تاریخ‌نامه ایران بعد از اسلام



DOI: 10.22034/JIIPH.2024.55622.2413

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۰۸ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۳/۰۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۲۱ تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۷/۰۲

### تفریح زنان و نظم جنسیتی از نگاه سفرنامه‌های خارجی دوره قاجاریه

نظام‌علی دهنوی<sup>۱</sup> | لیلا بیرانوند<sup>۲</sup>

#### چکیده

سفرنامه‌های دوره قاجاریه روایتی از موقعیت زنان و گرایش‌های تفریحی و معطوف به سرگرمی آنان به دست می‌دهند که می‌توان از لابه‌لای آن، فضاها و الگوهای حاکم بر نظم جنسیتی و تأثیر آن بر شکل‌گرفتن الگوهای ویژه‌ای از تفریح و سرگرمی زنان را بهتر شناخت. آنچه در این روایت‌ها برجسته می‌شوند موقعیت زنان در یک گفتمان جنسیتی ویژه است که تحت تأثیر مناسبات اجتماعی و فرهنگی جامعه‌ای مردسالار، مذهبی و سنتی، الگوی ویژه‌ای از تفریح و سرگرمی را پیش پای زنان می‌نهد. این اثر تلاش دارد تا با تکیه بر روش تاریخی و با استفاده از تکنیک توصیفی تحلیلی به این سؤال اصلی پاسخ دهد که روایت سفرنامه‌ها از الگوهای تفریح زنان چگونه می‌تواند تأثیر نظم جنسیتی غالب بر فراگیری این نظم‌های تفریحی را نشان دهد؟ دستاورد این پژوهش آن است که سفرنامه‌های دوره قاجاریه با ارائه روایتی همراه با جزئیات، تفریح زنان و گرایش‌های معطوف به سرگرمی زنان را در زمینه‌ای از مناسبات اجتماعی قرار داده‌اند که می‌توان از لابه‌لای آن به گفتمان و نظم جنسیتی غالب و تأثیر آن بر الگوهای ویژه تفریح زنان دست یافت.

**کلیدواژه‌ها:** قاجاریه، تفریح و سرگرمی، زنان، سفرنامه‌ها.

n\_dehnavi@pnu.ac.ir

leila1401@gmail.com

۱. دانشیار گروه تاریخ دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

۲. کارشناسی ارشد تاریخ ایران دوره اسلامی دانشگاه پیام نور، کرمانشاه، ایران

## مقدمه

از خلال روایت سفرنامه‌های اروپایی دوره قاجاریه، حیات زنان در ایران و هنجارها و ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی پیچیده‌ای که بر این زیست‌جهان زنانه تأثیر می‌گذاشت، قابل‌بررسی است. در واقع، تحت تأثیر نظم جنسیتی غالب و گفتمان مسلط فرهنگی در ایران این دوره، تفریح و سرگرمی‌های زنان نیز ماهیتی مشخص پیدا کرد به نحوی که این گرایش‌های تفریحی، می‌بایست بر اساس این نظم جنسیتی غالب و معیارها و ارزش‌های ناظر بر آن تنظیم شوند. آنچه سفرنامه‌ها در زمینه تفریح و سرگرمی زنان بازتاب دادند، در واقع، کنش‌هایی محدود و نه‌چندان متنوع است که در نبود فضاهای عمومی برای زنان و تحت تأثیر نظارت‌های عنصر مردانه و گفتمان قدرت در این دوره، شکل ویژه‌ای به خود گرفت. در این زمینه، مولفه‌هایی همچون اعمال محدودیت‌های فراوان بر زندگی زنان، انتظارات بسیار بالا در زمینه پوشش آنان در فضاهای عمومی، ارزش‌ها و هنجارهای سخت‌گیرانه در حوزه نوع معاشرت و رفت‌وآمد و تعاملات زنان در بیرون از منزل و عواملی از این نوع، تأثیری عمیق بر نوع تمایلات و کیفیت تفریح و سرگرمی زنان در ایران این دوره برجای نهاد. محتوای سفرنامه‌ها از این منظر، بازتابنده یک نظم گفتمانی و سیطره نگرش‌های سنتی و حساسیت‌های فرهنگی و اجتماعی درباره زنان‌اند. این اثر قصد دارد با توجه به محتوای سفرنامه‌های دوره قاجاریه، بخشی از مهم‌ترین رفتارها، الگوها و رویکردهای زنان در حوزه تفریح و سرگرمی را بررسی نماید.

## پیشینه پژوهش

در این زمینه، پیش از این پژوهش‌هایی انجام شده‌است که می‌توان به برخی از آن‌ها اشاره کرد. افسانه نجم آبادی (۱۳۹۵) در کتاب *زنان سیلو و مردان بی‌ریش و مهدی قرائیان* (۱۳۸۹) نیز در کتاب *تاریخچه اخلاق جنسی ایرانیان در عصر قاجار*، به برخی از لایه‌های گفتمان جنسیتی این دوره پرداخته‌اند. همچنین در همین زمینه مقاله‌هایی با عناوین «نگاهی جامعه‌شناختی به فراغت زنان در عصر قاجار» نوشته سمیه سادات شفیعی (۱۳۹۳)، «رابطه جنسیت و فضا در عرصه‌های خصوصی و عمومی دوره قاجار» اثر ورمقانی و دیگران (۱۳۹۴)، و نیز «زنان و نظم جنسیتی پدرسالار: روایت تاریخی از زندگی خانوادگی در عصر

قاجار» توسط شریفی ساعی و آزاد ارمکی (۱۳۹۱) نگاشته شده است. مقاله «تأثیر فقه شیعه بر جایگاه زنان در نظام خانواده عصر قاجار» نگاشته شریعتی و دیگران (۱۴۰۰) تلاش کرده است تا تأثیر مبانی فقهی شیعی بر ساخت اجتماعی و به‌ویژه موقعیت فرودست زنان در ایران عصر قاجار را نشان دهد.

### تفریح و ساخت اجتماعی در ایران دوره قاجاریه

جامعه ایران دوره قاجاریه تمام معیارها و خصلت‌های یک جامعه پیشاصنعتی سنتی را دارا بود. نظم ساختاری این جامعه به‌صورت مستقیم از مؤلفه‌های چندگانه‌ای همچون نظام سیاسی شاه‌محور اقتدارگرایانه، پدرسالاری تثبیت‌شده، اقتصادی با دامنه تولید بسیار محدود، زیرساخت‌های سنتی، نهاد آموزش سنتی و نیز فقدان پویایی اجتماعی در نبود طبقات اجتماعی متکثر تأثیر می‌پذیرفت. در چنین ساخت اجتماعی بسته‌ای، نظم تفریح به طور اعم و تفریح زنانه به شکل اخص، نمی‌توانست از تأثیر این مؤلفه‌های اجتماعی و فرهنگی به دور بماند. به‌عنوان نمونه، نظم مذهبی حاکم بر جامعه ایران دوره قاجاریه که برآمده از شریعت اسلامی و فقه شیعه بود بر کلیت ساخت نهادهای اجتماعی به‌ویژه نهاد خانواده نگاهی فراگیر داشت و این موضوع بر هنجارها، باورها، ارزش‌ها، بایدها و نبایدها و به‌طور کلی تحرک اجتماعی در این دوره بسیار مؤثر بود (شریعتی، توتکار و دیگران، ۱۴۰۰: ۱۱۸-۱۱۴). علاوه بر تأثیر نهاد مذهب بر زیست‌جهان زنانه در دوره قاجاریه، مناسبات اقتصادی و فرهنگی نیز در جامعه‌ای با میزان بسیار کمی از تولیدات کالاها، بر مواردی چون تن‌فروشی زنانه، گرایش آنان به تبدیل شدن به نوعی ابژه تفریح مردانه، فرودست شدنشان در مناسبات جنسیتی در جامعه‌ای مردسالار و مواردی از این دست تأثیر می‌گذاشت (دلریش، ۱۳۷۵: ۵۰-۱۲).

ویلم فلور درگیر شدن بیشتر زنان در اقتصاد مبتنی بر سکس در دوره قاجاریه را ناشی از موقعیت منحط آنان از نظر اقتصادی و مالی می‌داند و شیوع و فراگیر شدن این پدیده اجتماعی و جنسیتی در این دوره را برآیندی از واقعیت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می‌داند (فلور، ۱۳۸۷: ۱۳۰). بنابراین، برای زن ایرانی در این جامعه، هر نوع کنش‌گری تحت تأثیر موقعیت بدون منزلت زنان و جایگاه به حاشیه رانده شده آن‌ها توسط زمینه‌های

اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و نیزهنجارها و خُلیاتِ مسلط مردسالارانه بود (حجازی، ۱۳۹۹: ۹۵-۷۳).

به‌رغم تأثیرگذاری عمیق این زمینه‌ها بر نظم تفریح در ایران دوره قاجاریه، اما الگوهای تفریح در این جامعه تحت تأثیر همین زمینه‌ها، ارزش‌ها و هنجارها، به سمت برخی الگوهای تفریحی خاص میل پیدا می‌کرد. برخی محققان تلاش کرده‌اند برخی از مهم‌ترین الگوهای تفریح در این دوره را دسته‌بندی کنند. در میان این الگوها و فرم‌های تفریحی، ساده بودن، کم‌هزینه بودن، دخانیات محور بودن و مردانه بودن اغلب این تفریح‌ها برجسته است. به‌عنوان نمونه، فعالیت‌هایی همچون قصه‌گویی و نقالی، میهمانی، چراغانی و آتش‌بازی، موسیقی، رقص، نمایش، مولودی‌ها، شکار، قمار، مواد مخدر و دخانیات و فرم‌هایی از این قبیل، نظم مسلط تفریح در جامعه ایران دوره قاجاریه را شکل می‌داد (سلطان‌زاده، ۱۳۹۷: ۸۳-۲۵). در این میان، پاره‌ای از این الگوهای تفریحی بودند که زنان نیز بر طبق نوع کنشگری‌شان در بستر اجتماع می‌توانستند آن را انجام دهند، اما به‌صورت اعم، مردان با توجه به اقتدار اجتماعی‌شان، موقعیت آزادانه‌تری برای انجام این الگوهای تفریحی داشتند.

با وجود این ابعاد نسبتاً وسیع مسئله تفریح از منظرهای اجتماعی و فرهنگی و سیاسی و اقتصادی، بررسی نظم تفریح در ایران عصر قاجار به شکل اعم و تفریح زنان به طور اخص، بدون اتکا بر محتوای سفرنامه‌ها ناقص و بی‌فایده خواهد بود. سفرنامه‌ها در این زمینه منابعی غنی و سرشار از داده‌ها و روایت‌های دست اول کم‌نظیری هستند که منابع ایرانی فاقد آنهایند. به‌عنوان نمونه، برخی پژوهش‌ها با تمرکز بر موضوعاتی همچون اقتصاد و نقش زنان در فرآیندهای اقتصادی دوره قاجار از نگاه سفرنامه‌نویسان، بر نقش روایت سیاحان خارجی در ارتقای فهم ما از گستره‌ی موضوعات و مسائل این دوره تأکید کرده‌اند (علیزاده بیرجندی و ناصری، ۱۳۹۴: ۱۴۵-۱۳۴). با وجود این غنای اطلاعاتی اما نباید فراموش کرد که سفرنامه‌ها باز هم در روایت تمام الگوهای تفریح و مخصوصاً تفریح زنان در ایران عصر قاجار خالی از نقص نیستند. به‌عنوان نمونه، پدیده‌ها و مراسم‌های مفرح و مهمی همچون ختنه‌سوران، عمرکشان، پاگشاکنان و رسومات دیگری از این قبیل که مختص زنان بود و فضاهایی تقریباً تک‌جنسیتی برای تفریح آنان قلمداد می‌شدند، بعضاً از

نگاه آنها دور مانده است. با وجود این نواقص، اما بررسی لایه‌هایی از نظم تفریح زنان در سفرنامه‌ها می‌تواند به درک بهتر این پدیده اجتماعی و فرهنگی کمک کند.

### الگوهای تفریح، نظم جنسیتی و کنش‌های زنان در سفرنامه‌ها

منظور از الگوهای تفریح در این پژوهش، رفتارها و کنش‌هایی است که زنان در جامعه ایران دوره قاجاریه انجام می‌دادند و هدف از آن، تجربه نوعی شادی یا سرگرمی زنانه بود. در این کنش‌ها، هم فضا و مکان به مثابه یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های تأثیرگذار بر الگوهای تفریح اهمیت فراوان پیدا می‌کرد و هم نوع رفتارها، هنجارها و خلقیات زنانه؛ که همگی تحت تأثیر یک نظم جنسیتی ویژه رخ می‌داد که در آن، زنان به مثابه یک عنصر اجتماعی در حاشیه و تحت نظارت شدید عنصر مذکر قرار داشتند. بنابراین، مکان‌هایی همچون حمام، امام‌زاده‌ها، تکیه‌ها، خیابان و غیره که الگوهای تفریح زنان در آن نمود واقعی می‌یافت، در ظاهر و از منظر کارکردی، فضاهایی مختص تفریح و سرگرمی قلمداد نمی‌شدند؛ اما چون به یگانه جاهای گریز مقطعی عنصر زنانه از فضاهای اندرونی تبدیل می‌شدند، کنش‌های تفریحی و سرگرمی زنان در آنجاها به یک هنجار تفریحی تبدیل می‌شد. در اینجا هم تأکید بر فضاها و مکان‌ها حائز اهمیت‌اند و هم نوع مناسبات جنسیت و الگوهای فرهنگی ناظر بر زیست زنان در ایران عصر قاجار.

#### ۱. حمام به مثابه عرصه عمومی زنانه و مسئله جنسیت و تفریح

در فقدان حوزه عمومی فعال و پویا برای زنان در جامعه ایران دوره قاجاریه، برخی از مکان‌ها خارج از کارکردهای مرسومشان، به مثابه فضایی عمومی در نظر گرفته می‌شدند که به مثابه اجتماعات کوچک زنانه، مملو از دیدارها، گفت‌وگوها، رسومات عرفی زنانه و رفتارهایی بود که در فضایی غیرمردانه و به دور از هرگونه نگاه غریبانه انجام می‌شد. در واقع، امکان ایجاد گونه‌ای تفریح زنانه را فراهم می‌ساخت که منطبق با گفتمان جنسیتی این دوره بود و برخی رفتارها و هنجارهای فرهنگی و اجتماعی زنانه در حوزه تفریح و سرگرمی را پوشش می‌داد. در ایران این دوره، حمام‌های زنانه چنین جایگاهی داشتند. سفرنامه‌های این دوره توصیف‌های قابل‌توجهی از محیط و کارکرد حمام‌های زنانه به مثابه یک فضای

عمومی پویا و پرتحرک زنانه به دست داده‌اند. فارغ از ابعاد بهداشتی و آداب شرعی، حمام‌ها محلی برای اجتماعات زنانه نیز به شمار می‌آمدند؛ اجتماعاتی که به نظر می‌رسید بارِ سرگرمی و تفریحی آن برای زنان بالا بود و اغلب نیز به این اجتماعات، به چشم یک سرگرمی نگاه می‌شد. گزارش‌ها و روایت‌های والتر بنیامین اولین سفیر آمریکا در ایران به دربار فتحعلیشاه، احتمالاً جزو نخستین روایت‌ها از این دست است که در آن به حمام اندرونی کاخ شاهی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین فضاهای تفریحی زنانه که سرگرمی و بازی در آن بسیار متداول بود اشاره شده‌است. «در حمام، سکویی سرسره‌مانند تعبیه شده بود که هدف از آن در واقع انجام بازیگوشی‌ها و سُرخوردن‌های زنان و تماشای این تفریح‌های زنانه از جانب شاه بود. اینجا معمولاً در طول روز صحنه بازیگوشی‌ها، قهقهه زدن‌ها، بازی کردن‌ها شیطنت‌ها و تفریح‌های زنانه است که صدایشان تا مسافتی آن طرف‌تر هم می‌رود.» (بنیامین، ۱۳۶۹: ۱۰۷)

کارلاسرنا ایتالیایی در سفرنامه خویش نشان می‌دهد که چگونه در ایران عصر قاجاریه، حمام‌ها به یکی از مهم‌ترین تفرج‌گاه‌ها و فضاهای عمومی زنانه تبدیل شده بودند و ساختار داخلی و فضاهای اندرونی آن‌ها را چگونه به‌منظور پوشش دادن نیازهای تفریحی و سرگرم‌کننده طراحی کرده بودند. وی پس از توصیفات دقیقی که از معماری داخلی حمام و نوع مصالح و کاشی‌کاری‌ها و طراحی‌های هنرمندانه اندرونی آن ارائه نمود، وجود «فرش‌های عالی، تُشک‌های ابریشمین، مخده‌های نرم و راحت را در شکل‌ها و اندازه‌های مختلف کف زمین، لوازم آرایشی، شیشه‌های عطر گل، چندین آینه، جعبه‌های آرایش پر از سرخاب و سفیداب» را از مهم‌ترین وسایل داخل حمام‌ها می‌داند (کارلاسرنا، ۱۳۶۲: ۱۵۳). اشاره وی به شادی‌ها، رفتارها و اعمال زنانه حین بستن جمعی در حمام‌ها، بار تفریحی این کار و همچنین خصلت‌های سرگرم‌کننده حمام‌ها برای زنان ایرانی را برجسته‌تر می‌ساخت (کارلاسرنا، ۱۳۶۲: ۱۵۴). در روایت او اشاره‌هایی به برگزاری مراسم نقالی و شاهنامه‌خوانی در حمام‌ها توسط زنان شده‌است که به‌مثابه گونه‌ای تفریح به آن نگاه می‌شد. کارلاسرنا همچنین اشاره می‌کند که صدای خنده‌ها و جیغ و دادهای ناشی از شادی‌های زنانه، حین برگزاری این نقالی‌ها از دور هم شنیده می‌شد (کارلاسرنا، ۱۳۶۲: ۱۵۴) «زنان در ادامه این فعالیت‌ها، حتی بعضاً نهار را نیز در حمام صرف می‌کردند. خلاصه آنان با تفریح

کارهای حمام را برگزار می‌کردند و این روز، از روزهای خوش آنان به شمار می‌رفت. قهقههٔ خنده‌ها، شوخی‌های بچگانه و شادابی‌های زنانه در ظاهر این زنان پیدا بود» (کارلاسرنا، ۱۳۶۲: ۱۵۵).

از نظر گاسپار دروویل نیز حمام، فضایی زنانه بود که در آن کنش‌های تفریحی انجام می‌شد. وی معتقد است که «زن‌های ایرانی، حمام را بهترین نقطه تجمع خود می‌دانند و همه‌روزه با یک‌دیگر در آن‌جا دیدار می‌کنند. آن‌ها از مهر یا بی‌مهتری شوهران و از توجه آن‌ها به زنهای دیگر یا کنیزان سخن می‌گویند. زنهایی که توجه شوهرهایشان نسبت به آن‌ها کم شده، با بدگویی و عیب‌جویی کینه‌توزانه‌ای از رقبای سفیدبخت خود انتقام می‌گیرند. البته وصفی که از رقیبان می‌کنند غالباً خیلی دور از واقعیت است» (دروویل، ۱۳۷۰: ۶۵). وی در مقام یک ناظر بیگانه خارجی، اگر چه نمی‌توانست به فضای درونی حمام‌ها دسترسی داشته باشد، اما احتمالاً بر اساس شنیده‌ها یا کنجکاوی‌های فراوان، توانسته بود بخشی از آداب و عرفهای زنانه در حمام‌ها را پی‌گیری و رصد کند و به بخشی از گفت‌وگوها، صحبت‌ها، آداب و رسوم‌های فرهنگی و اجتماعی و به‌طور کلی فضای عمومی حمام‌های زنانه پی‌برد. با تکیه بر چنین آگاهی‌هایی بود که می‌توانست از فضای حمام‌ها در ایران عصر قاجار، به‌مثابهٔ بخشی از فضای عمومی زنانه نام ببرد که برای این طبقه اجتماعی، کارکردی سرگرم‌کننده و تفریحی داشت و در فقدان عرصه عمومی پویای زنانه، بخشی از نیازمندی‌های روحی آن‌ها را پوشش می‌داد (دروویل، ۱۳۷۰: ۶۵-۶۶). ادوارد پولاک نیز با اشاره به اهمیت حمام در الگوهای تفریح زنانه در دوره قاجاریه، رفتن به حمام را جزو اولویتهای تفریحی طیفی از زنان می‌دانست. «حمام برای اغلب زنان، محل تجمع است تا در آنجا با هم گفت‌وگو و اختلاط کنند. زنان اینجا، تازه‌ترین رویدادها و وقایع شهر را با هم در میان می‌گذارند. آن‌ها اغلب نصف روز را در آنجا سپری می‌کنند. شربت می‌خورند و یا با ساز و آواز می‌رقصند و وقت را می‌کشند» (پولاک، ۱۳۸۴: ۲۴۸). آنچه از لابه‌لای گفته‌های پولاک می‌توان فهمید این است که حمام چگونه در فقدان عرصهٔ عمومی، تفریح و سرگرمی ویژهٔ زنان را پوشش می‌داد و به فضایی تبدیل می‌شد که بعضاً دغدغه‌های زیبایی‌شناختی و گرایش‌های زنانه به آرایش بدن را در آنجا به نحوی مورد توجه قرار می‌دادند.



## ۲. قلیان به مثابه گونه‌ای تفریح زنانه

قلیان کشیدن شاید در نگاه نخست، در زمره فعالیت‌ها و کنش‌های نزدیک به تفریح و سرگرمی قلمداد نشود، اما این موضوع، به‌ویژه در جامعه ایران عصر قاجاریه، از دایره عادت‌واره‌ها و اعتیادهای سبک روزانه فراتر بود و به‌مثابه گونه‌ای کنش تفریحی، به پایه و اساس اجتماعات و بزم‌ها و مجالس تبدیل می‌شد. از آنجاکه قلیان، اغلب در مجالس این دوره چه در نوع زنانه و چه مردانه آن، رکن اساسی بود و مصرف آن، معمولاً آداب و رسوم خاصی داشت، بنابراین، به‌مثابه کنشی لذت‌بخش در این مراسم و جلسات، از آن استفاده می‌شد و از یک عادت‌واره روزمره، تبدیل به موضوعی مهم در تعارفات ایرانی می‌شد. برخی سفرنامه‌نویسان، با اشاره به جایگاه قلیان در ضیافت‌ها، مصرف بالا و متعدد آن در مهمانی‌های طولانی مدت را یکی از خصیصه‌های بارز مهمانی‌ها و بزم‌های ایرانی می‌دانستند. «قلیان از میان جمعیت، دهن به دهن می‌گردد. اول چایی، بعد قهوه بعد باز هم قلیان. دوباره همین چرخه تکرار می‌شود و چون مدت‌زمان این مهمانی‌ها چندان هم کوتاه نیست، این رفتار به تناوب تکرار می‌شود. ایرانی‌ها اما از این تکرارها نه خسته می‌شوند و نه دچار ملال می‌شوند» (کارلاسرنا، ۱۳۶۲: ۷۲). پولاک نیز بخش قابل‌توجهی از سفرنامه‌اش را به بررسی جایگاه مخدراتی همچون تریاک و قلیان و حشیش در میان ایرانیان اختصاص داده بود. از نظر وی تریاک و به‌ویژه قلیان، بخشی لاینفک و جدایی‌ناپذیر از بزم‌ها، مجالس و مهمانی‌های ایرانیان به شمار می‌رفت. پولاک همچنین به زنان به‌عنوان گروهی از جامعه که بعضاً در کشیدن قلیان در بزم‌ها و مهمانی‌ها افراط می‌کردند، اشاره می‌کند (پولاک، ۱۳۸۴: ۴۴۱). این مسئله در جای خود نمایانگر کیفیت زیست زنانه و تأثیر سبک و شیوه زندگی آن‌ها بر نوع تفریح‌ها و سرگرمی‌های آنان نیز بود.

ویلز هم با اشاره به اهمیت و جایگاه قلیان در بزم‌ها و مهمانی‌های ایرانیان، وجود آن را یکی از عناصر غیرقابل چشم‌پوشی در این مراسم می‌دانست. «به دستور میزبان این جلسات، فوراً برای شخص مهمان قلیان می‌آورند و به نشانه احترام به مهمان، از وی تقاضا می‌کنند تا اولین پُک را وی به قلیان بزند» (ویلز، ۱۳۶۸: ۶۵). کارلاسرنا نیز با اشاره به محبوبیت کشیدن قلیان در اندرون و بیرونی خانه‌های ایرانیان به‌مثابه یک نظم تفریحی فرهنگی، اشاره می‌کند که اندرونی خانه‌ها نیز که محل زیست زنانه در بیشتر اوقات شبانه‌روز است،

نیز افرادی به‌عنوان قلیان‌چی دارند که برای خانم‌های اندرونی، وظیفه آمادگی قلیان‌ها را بر عهده دارند (سرنا، ۱۳۶۲: ۷۴).

### ۳. مناسک و شعائر مذهبی به‌مثابه گونه‌ای تفریح زنانه با دلالت‌های جنسیتی

در فقدان تحرک و پویایی بالای عرصه عمومی در جامعه ایران دوره قاجاریه، معدود مراسم‌ها و گردهمایی‌های مذهبی یا عرفی، می‌توانست به سرعت، به عرصه‌ای برای تبدیل شدن‌اش به موضوعی با محتوای سرگرمی بدل شود. آداب و مناسک و شعائر هم‌چون زیارت قبور و اماکن مذهبی، مراسم تعزیه، مراسم آئینی و اعتقادی و امثال این‌ها، همواره فراتر از ابعاد اعتقادی و آئینی‌شان، به فرصت‌هایی برای سرگرمی نیز تبدیل می‌شدند. به‌عنوان نمونه، مراسم تعزیه در این دوره، علی‌رغم ماهیت مذهبی آن، به گونه‌ای سرگرمی نیز تبدیل می‌شد. برخی از سفرنامه‌نویسان، همواره بر لایه‌هایی از تفریح و سرگرمی در بطن این مراسم آئینی و مذهبی اشاره کرده‌اند. با توجه به اینکه مراسمی هم‌چون تعزیه، به‌مثابه یک نمایش عمومی نیاز به اجرا در حضور انبوه ناظران و تماشاچیان از اقشار مختلف اجتماعی داشت؛ بنابراین، به‌مثابه اجتماعی با انبوه جمعیت به شمار می‌آمد که در اجتماع ایران عصر قاجار در فقدان گستردگی این دست از برنامه‌ها، تعزیه می‌توانست برای چند روز، عرصه عمومی قابل‌توجهی ایجاد کند و برای مدت‌زمان کوتاهی، برخی از حساسیت‌ها و نظارت‌های مرسوم روزمره بر حوزه عمومی را به حالت تعلیق درآورد و مردم با گونه‌ای آزادی نسبی در این مراسم شرکت کنند. آنچه در پیوند با مسئله جنسیت زنانه و تفریح در مراسم تعزیه دارای اهمیت بود، از یک طرف حضور فعال زنان در این مراسم بود و از جانب دیگر، نظارت‌های شدید بر چگونگی حضور آن‌ها با اعمال مرزبندی‌های مرسوم میان آن‌ها و جامعه مردان. کارلاسرنا با اشاره به ساختار معماری تکیه دولت، به تفکیک جنسیتی در ساختار معماری این بنا اشاره می‌کند و تقسیم‌بندی دوگانه آن بر اساس جنسیت مردانه و زنانه را بخشی از ماهیت این بنا معرفی می‌کند (کارلاسرنا، ۱۳۶۲: ۱۶۴). به گفته وی، چون ورود برای عموم در این تکیه‌ها آزاد بود، جایگاه و منزلت اجتماعی زنان در طول مدت اجرای این برنامه‌ها برای مدت کوتاهی به حالت تعلیق درمی‌آمد و امکان نشستن زنی از

پایگاه اجتماعی نازل، در کنار زنانی از طبقات بالاتر وجود داشت و همین مسئله ساده می‌توانست برای آن دسته از زنانی که در حالت عادی و در زندگی روزمره کمتر مجالی برای نشست و برخاست با این زنان برای آنان مهیا بود، در طول مراسم تعزیه، با سهولت در کنار آنان بنشینند (سрна، ۱۳۶۲: ۱۶۸). در واقع، این مراسم که می‌توانست گونه‌ای سرگرمی برای زنان نیز باشد، تحت تأثیر هنجارهای عرفی و گفتمان جنسیتی این دوره، به شکل خاصی در می‌آمد. «قسمت چپ حیات را با کشیدن پرده‌ای، جهت استقرار زنان به تعزیه آمده، مجزا می‌کردند. صف جلویی، مخصوص خانم‌های حرم یا خانواده حاکم شهر بود که مانند دیگر زنان، حجاب کامل اسلامی داشتند» (ویلز، ۱۳۶۸: ۳۲۶). پولاک جزئیات بیشتری از حضور زنان در مراسم تعزیه را نقل می‌کند. «زنان فقیری که ساعت‌ها در تنگنای ازدحام بر روی قالی زانو زده‌اند، گاه با یکدیگر درگیر می‌شوند که این مسئله باعث تفرج خاطر حضار می‌شود. زنان، بعضاً به صورت یکدیگر می‌کوبند، روبنده‌های همدیگر را می‌کشند و از صورت هم درمی‌آورند و این نزاع، تا زمان دخالت مأموران دولتی، ادامه خواهد داشت (پولاک، ۱۳۸۴: ۲۳۶).

مسئله دیگری که به‌ویژه از منظر جنسیت زنانه و تأثیر هنجارهای جنسیتی غالب در جامعه در این مراسم تعزیه حائز اهمیت بود، نقش‌هایی از نمایش تعزیه که می‌بایست زنان اجراکننده آن باشند، بر عهده مردان و پسران نوجوان قرار داده می‌شد و از حضور زنان در این نمایش سرگرم‌کننده جلوگیری می‌شد. کارلاسрна با اشاره به این موضوع تأکید می‌کند که اجرای تمامی نقش‌های زنانه در نمایش تعزیه، بر عهده پسران و مردان بود و زنان نمی‌توانستند در این مراسم نقشی داشته باشند (سрна، ۱۳۶۲: ۱۶۸). در روایت لیدی شیل نیز آمده است «در هنگام برگزاری نمایش، سعی و کوشش این زن‌ها برای پیدا کردن جای مناسب واقعاً دیدنی بود. این کار، فقط به دادوفریاد تمام نمی‌شد، بلکه بعضی از آنها پس از مدتی جاروجنجال، اغلب به جان هم افتاده و با کتک‌کاری و کوفتن لنگه کفش به سروصورت یکدیگر که گاهی به پاره کردن چادر نیز منتهی می‌شد، سعی در یافتن جای مناسب داشتند» (شیل، ۱۳۶۲: ۶۹).

علاوه بر تعزیه، زیارت اماکن متبرکه و قبور شخصیت‌های معنوی و امام‌زاده‌های شیعی

نیز همواره برای زنان فرصتی برای سرگرمی ایجاد می‌کرد. زیارت امامزاده‌ها و دیگر شخصیت‌های محترم مذهبی در زمره سرگرمی‌های زنان قلمداد می‌شد و این فعالیت در میان زنان، همواره دارای محبوبیت خاصی بود (پولاک، ۱۳۸۴: ۱۵۸). کنت دوگوبینو نیز با اشاره به پدیده زیارت بقاع متبرکه و امامزاده‌ها در ایران، آن را یکی از جذاب‌ترین سرگرمی‌های زنان در ایران قلمداد می‌کرد؛ تفریحی که از نظر وی، زن ایرانی حاضر نیست تحت هیچ شرایطی از آن صرف‌نظر یا چشم‌پوشی کند (دوگوبینو، ۱۳۸۳: ۳۱۲). وی همچنین زیارت «امامزاده قاسم در تجریش» و «زیارتگاه بی‌بی‌شهربانو در فاصله سه‌ساعتی تهران» را جزو اماکن محبوب زنان برای زیارت و تفریح نام می‌برد (دوگوبینو، ۱۳۸۳: ۳۱۲).

#### ۴. تفریح زنان در جشن‌ها و مراسم ملی

برگزاری مراسم و آئین‌های ملی و باستانی ایران بهانه دیگری برای تفریح و سرگرمی زنان بودند. این دست از مراسم نیز همچون مراسم و مناسک مذهبی، فرصتی مغتنم برای تفریح و سرگرمی در اختیار آنان می‌گذاشت. مراسمی همچون عید نوروز، چهارشنبه‌سوری، سیزده‌بدر و غیره در زمره همین مراسم آئینی و هویتی قلمداد می‌شدند که از پیشینه تاریخی چشمگیری برخوردار بودند و همواره ایرانیان در برگزاری آن حساسیت نشان می‌دادند. ماهیت این دست از مراسمها اقتضا می‌کرد که این دوره‌هایها و گردهم‌آیی‌های روزانه و شبانه به گونه‌ای تفریح و سرگرمی با ابعاد وسیع تبدیل شوند. کارلاسرنا درباره این مراسم می‌نویسد «فراشان سینی‌هایی پر از شیرینی بر سر داشتند که وی آن را با تورهای زربفت پوشانده بودند. عده‌ای فراوان از زنان با چادرهایی نوو زردوزی شده آهسته و آرام از خیابان‌ها می‌گذشتند. جلای کفش‌های ساغری زرد و آبی و سبز و سرخ رنگشان، از دور داد می‌زد که آن‌ها را برای اولین بار است که پوشیده‌اند» (کارلاسرنا، ۱۳۶۲: ۲۱۴). در بخش دیگری از گزارش سرنا، اشاره‌های قابل‌تأملی به سیطره نگرش گفتمان مردسالارانه حین برگزاری این مراسم شده‌است و برگزارکنندگان نهایت تلاش خود را انجام می‌دادند تا به دور از مشارکت عنصر زنانه، بخش‌های نمایشی و رقص و موسیقی این مراسم را در شمایی کاملاً مردانه پوشش دهند. «پسرهای نوجوان در نقش رقاصه‌ها لباس زنانه جلفی به تن می‌کنند به نحوی که به راحتی نمی‌شود تشخیص داد که زن هستند یا مرد. آن روز لباس آن‌ها عبارت

بود از دامنی کوتاه و بسیار گشاد، کلاه بدون لبه گل‌دوزی شده که در میدان عمومی شهر آداب مربوط به آرایششان را انجام می‌دادند. زنان نیز بخشی از این جشن‌ها و شادی‌های مقطعی به شمار می‌آمدند» (کارلاسرنا، ۱۳۶۲: ۲۱۹).

علاوه بر نوروز، سیزده‌بدر نیز در زمره روزهایی به شمار می‌آمد که برای ایرانیان روز تفریح و سرگرمی و گشت‌وگذار تلقی می‌شد. در این روزها نیز مسئله تفریح و گردش زنان، همواره به‌مثابه چالشی برای دولت مطرح بود. پولاک با اشاره به یکی از این برنامه‌ها در روز سیزده‌بدر، با اشاره به نوع هنجارها و رفتارهای زنان در این روز می‌نویسد: «در این روز، همه از خانه‌ها بیرون می‌آیند و از دروازه‌های شهر بیرون می‌روند تا خود را به باغ‌های اطراف شهر برسانند. در اینجا، زنان نیز همچون دیگران، علی‌رغم استرس‌ها و اضطراب‌هایی که دارند و ترسی که از خطرها و تهدیدها تجربه می‌کنند، به انگیزه تفریح یا سرگرمی یا هر انگیزه دیگری به صحرا می‌روند. دولت به‌منظور جلوگیری از هجوم بی‌رویه زنان، مقرر کرده‌است که از آنان عوارض ناچیزی گرفته شود» (پولاک، ۱۳۸۴: ۲۶۶). اشاره پولاک حاوی نکات قابل‌تأملی در نسبت میان نهاد دولت و گفتمان جنسیتی و ایدئولوژیکی این دوره با جنسیت زنان و تفریح و سرگرمی وجود دارد. نظارت همیشگی نهاد دولت در قالب بازرسی‌ها، سخت‌گیری‌های همیشگی درباره تردد زنان و حساسیت نسبت به حوزه گشت‌وگذار و تفریح آن‌ها، نشانگر بخشی از مهم‌ترین هنجارها، باورها و ارزش‌های اجتماعی حول محور زنان است که به‌ویژه به پشتوانه نهاد دولت از این مسئله، ابعاد سیاسی و ایدئولوژیکی قابل‌توجهی پیدا می‌کند. برخی دیگر از سفرنامه‌نویسان همچنین صحرا رفتن و گشت‌وگذار در صحرا در روزهای عادی سال را بخشی از مهم‌ترین تفریح‌های زنان نام می‌برند (بلوشر، ۱۳۶۳: ۸۳).

##### ۵. مهمانی‌ها، ضیافت‌ها و بزم‌های تک‌جنسیتی

علاوه بر مراسمی همچون نوروز و اعیاد و جشن‌های ملی، مهمانی‌ها و بزم‌های عرفی و خانوادگی نیز در زمره فضاهایی برای گردهمایی‌های زنان در ایران به شمار می‌فتند که از محبوبیت بالایی نیز نزد زنان برخوردار بود. بخشی از این تفریح و سرگرمی‌ها را خود زنان تدارک دیده و انجام می‌دادند و هدف از آن سرگرم ساختن خود و پر کردن بخشی از اوقات

فراغشان با انجام برخی فعالیت‌های سرگرم‌کننده و تفریحی بود. در این الگو، زنان در جمع‌های صرفا زنانه یا در فضاهایی که سیطره جنسیت زنانه نمایان بود به انجام برخی فعالیت‌ها و کارها می‌پرداختند و سفرنامه‌نویسان به بعضی از آن‌ها اشاره کرده‌اند. ماهیت این بزم‌های خصوصی، به دلیل تک‌جنسیتی بودن مهمانی‌ها و زنانه‌بودنشان قابل توجه بود. نوع رفتارها، هنجارهای تأثیرگذار بر نوع معاشرت‌های زنانه و الگوهای رفتاری آن‌ها در این بزم‌ها می‌توانست دلالت‌های جنسیتی قابل توجهی داشته باشد. در واقع، این مهمانی‌ها به دلیل مفرح بودن و بار سرگرم‌کننده‌ای که داشتند، هم فرصتی برای جمع شدن‌های زنانه بود و هم درعین حال، مجالی برای تفریح، شادی، خوردن و نوشیدن و صحبت کردن و نمایش دادن زیبایی‌های ظاهری و تمکن‌های مالی و مادی این زنان. هر چه بود برگزاری این مهمانی‌های صرفا زنانه، بخشی از تفریح و سرگرمی زنانه به‌ویژه زنان طبقات بالا به شمار می‌رفت (دوگوبینو، ۱۳۸۳: ۶۱). در این میان، برخی سفرنامه‌نویسان تلاش می‌کردند تا به نوعی تقسیم‌بندی میان مهمانی‌ها و تفریح‌های زنانه در بین طبقات مختلف اجتماعی دست بزنند. دالمانی از این دست سفرنامه‌نویسان بود. وی که تجربه مشاهدات مستقیم زندگی ایلی، روستایی و شهری را داشت و سفرنامه‌اش انباشته از داده‌ها و روایت‌های متعدد درباره هر سه سبک زندگی در ایران دوره قاجاریه بود، در این زمینه قائل به یک تقسیم‌بندی ساده بود. «مشغله زنان شهری متمول شهرنشین چیزی نیست که قابل ذکر باشد، فقط گاهی برای گذراندن وقت اقسام شیرینی برای منزل تهیه می‌کنند و سایر اوقات خود را صرف کشیدن قلیان می‌نمایند. طبقه متوسط به تهیه ناهار و شام می‌پردازند و بعضی هم به گل‌دوزی‌های جالب‌توجهی مشغول می‌شوند و در فراهم کردن انواع مربا و ترشی مهارتی دارند. خواندن کتاب هم چندان معمول نیست. خانم‌های اعیان و اشراف دست به هیچ کاری نمی‌زنند. زنان روستایی نیز به دلیل مشغله کاری فراوان، در این زمینه تفاوت دارند» (دالمانی، بی تا: ۳۱۸). رایس نیز با اشاره به تفریح‌های خانگی و مهمانی‌های اندرونی زنان ثروتمند و طبقه متوسط معتقد است: «زنان ثروتمند اغلب خود در خانه شیرینی می‌پزند و از خوردن آن هم لذت زیادی می‌برند. بعضی مدام آجیل و تخم خربزه می‌خورند. بیشتر اوقات، ساعت‌ها قوری را روی منقل می‌گذارند و ظاهراً هرچه چای بیشتر دم بکشد، بیشتر آن را می‌پسندند. زنان طبقه متوسط یاحتی زنان محترم به‌صورت ناشناس به تنهایی به بازار و پیش طبیب می‌روند، زنان

بسیار ثروتمند با اسب و در معیت خدمه متعدد به دید و بازدید می‌روند» (رایس، ۱۳۸۳: ۱۵۳ و ۱۵۸).

کنت دوگوبینو تعداد این بزم‌ها و مهمانی‌ها و جلسات زنان را بسیار فراوان می‌داند. وی با اشاره به تعدد این مراسم و با اشاره به گونه‌های تفریح و سرگرمی زنان در ایران عصر قاجار، تنوع و گوناگونی این مهمانی‌ها را در نسبت با جنسیت زنان و گرایش‌های تفریحی آنان مورد اشاره قرار می‌دهد و آن را به‌مثابه یک رفتار اجتماعی و فرهنگی زنان در جامعه مدرسار عصر قاجار قلمداد می‌کند. «زنان می‌توانند برای اینکه به بیرون از منزل بروند، بهانه‌های متعدد بتراشند. برای دید و بازدیدهایی که هریک از آنها ممکن است ساعت‌ها طول بکشد، برای شرکت در مراسم تولد، ازدواج، سالروزها، جشن‌های عمومی و خصوصی و بسیاری مهمانی‌های خصوصی دیگر» (دوگوبینو، ۱۳۸۳: ۳۱۲).

## ۶. زنان در مراسم بزم: مهمانی‌ها و عروسی‌ها

اما گونه دیگری از مهمانی‌ها و بزم‌ها، مجالس یا دورهمی‌های جمعی‌تر شامل مراسم ازدواج، مهمانی‌های عرفی و بزم‌هایی از این دست بود. در مجالس و بزم‌هایی همچون عروسی‌ها، نقش زنان انکارناشدنی بود. اما فارغ از ابعاد رسمی و عرفی در ازدواج‌ها و عروسی‌ها، این مراسم می‌توانست به‌مثابه نوعی تفریح زنان هم قلمداد شود که برای مدت‌زمانی ولو کوتاه، فرصت حضور آزادانه‌تر و بی‌قیدوبندتر را در حوزه عمومی به آنها می‌داد. این حضور به‌ویژه از آنجاکه ماهیت مراسم عروسی و ازدواج، تفرج‌گونه و شادی‌بخش بود، لذتی فراوان‌تر برای زنان به همراه می‌آورد. صحبت‌ها و گفت‌وگوها درباره عروس و داماد، مشارکت‌های چندنفره در آراستن و آرایش کردن، خریدهای شخصی قبل از مراسم، مشاهده رقص دیگران، مشارکت در سرو نهار و شام‌های عروسی، انجام برخی رسم و رسومات مخصوص زنان در عروسی‌ها و اموراتی از این دست، مراسم عروسی و ازدواج را برای زنان به یک سرگرمی لذت‌بخش تبدیل می‌کرد. خانم استارک در سفرهای متنوع خود به مناطق لرستان و الموت، روایت‌هایی از این مراسم با حضور زنان به دست داده‌است و توصیف کرده‌است که چطور زنان با دقت فراوان خود را آرایش می‌کردند و از زیورآلات به چه نحوی برای متمایز ساختن خود بهره می‌گرفتند و از این کار لذت می‌بردند. (استارک،

۱۳۶۴: ۳۱۸-۳۱۵) «زنان دو سینی آورده بودند تا به جای ضرب از آن‌ها استفاده کنند. خاله عروس که خانمی بود با مقدار زیادی زنجیر و گلوبند، چهارزانو نشست و به ضرب زدن پرداخت. زنان یکی پس از دیگری با کف زدن رقصیدند. زنان به طرز جالبی در رقصیدن آزادی عمل داشتند» (استارک، ۱۳۶۴: ۳۱۷). همچنین یوشیدا ماسهارو نیز توصیفات نسبتاً دقیق از حضور زنانه در این عروسی‌ها روایت کرده‌است و کار و کردارهای آنان در این مراسم را به‌مثابهٔ نوعی تفریح و سرگرمی شادی‌بخش نام برده‌است (یوشیدا، ۱۳۷۳: ۲۱۶).

نوع دیگری از تفریح و سرگرمی‌های زنانه مراسمی بودند که اگر چه به‌صورت کامل زنانه نبود، اما وجودشان برای برگزاری این گونه مراسم ضروری بود. یعنی، زنان در قامت رقاصان، نوازندگان، نمایش‌دهندگان و به‌طور کلی گروه‌هایی که برگزاری این مراسم و بزم‌ها و مهمانی‌ها را بر عهده داشتند، ظاهر می‌شدند. این الگوی دیگری از نسبت میان جنسیت زنانه و تفریح و سرگرمی قلمداد می‌شد که در آن، زنان در مقام برآوردندگان نیازهای تفریحی و سرگرمی جامعه نقشی قابل‌توجه ایفا می‌کردند. اگرچه از منظر منزلت و جایگاه اجتماعی، این گروه از زنان در جایگاه چندان رفیعی قرار نداشتند، اما همواره به دلیل نیازی که برگزاری این مراسم‌ها و بزم‌ها به وجود آن‌ها داشت، مورد توجه بودند. در سفرنامه‌ها، به این مجالس و مهمانی‌ها و بزم‌ها اشاره شده‌است؛ یعنی مجالسی که کنش‌گری زنانه در زمینه تفریح و سرگرمی، صرفاً در فضای تک‌جنسیتی زنانه خلاصه نمی‌شد و زنان در مقام اجراکنندگانی توانمند شناخته می‌شدند که بزم و تفریح و سرگرمی گروه‌های دیگر اجتماعی، وابسته به آن‌ها بود. در سفرنامه اوژن فلاندن روایت‌هایی از این دست قابل‌مشاهده است. اقامت چند روزهٔ او در منزل یکی از اعیان شهر تبریز و رفتن وی به درون حرمسرای شخصی این فرد متنفذ باعث شد تا او بن، بخشی از این رفتارهای زنانه را مشاهده کند. نوازندگی آن‌ها، رقصشان، آرایش کردن و نوع حضورشان در جمع‌های چند نفره و البته نقش مهمشان در برگزاری این نوع مهمانی‌ها در اندرونی که همواره نوعی بزم و سرگرمی و تفریح قلمداد می‌شد در روایت او بن برجسته شده‌است (نک: فلاندن، ۲۵۳۶: ۷۶-۷۴). دالمانی نیز به این نکته اشاره می‌کند که ایرانیان تمایل دارند رقص زنانه را به درون حرمسرای خصوصی ببرند و در عوض، پسران بسیار جوان را به شکل و شمایل زنان درآوردند تا برایشان برقصند. وی همچنین توضیح می‌دهد که این پسران جوان اگرچه



جنسیتشان مردانه است اما برای این بزمها آن چنان به شمایل زنانه درمی‌آیند که در ظاهر، تفکیک آن‌ها با زنان دشوار است (نک: دالمانی، بی‌تا: ۲۹۳). همچنین ادوارد براون در یکی از مهمانی‌های شیراز نیز چنین جوانانی را دیده بود که به شمایل زنانه درآمد، موی بلند و دامن کوتاه می‌پوشیدند تا در این شمایل زنانه برقصند و موجبات رضایت خاطر مهمانان را فراهم آورند (براون، ۱۳۴۴: ۳۸۶)

پولاک نیز به بزمهایی از این قبیل اشاره کرده‌است. آنچه در روایت وی در این زمینه قابل تأمل است اینکه جنسیت زنانه چگونه در این بزمها مورد توجه بود و نگاهها به آن‌ها در مقام عناصر اصلی این مجالس چگونه بود. «رقص در حرم، توسط زنان اجیرشده و رقاصان حرفه‌ای انجام می‌شود. در مهمانی‌های مردانه، پسرانی بی‌ریش که لباس زنانه بر تن دارند با حرکات خود، تلاش می‌کنند مردم را به وجود بیاورند. خوانندگان و نوازندگان در این مجالس، در زمره گروه‌هایی به شمار می‌آیند که چندان پایبندی سفت و سختی به احکام دینی و مذهبی ندارند» (پولاک، ۱۳۸۴: ۲۰۳).

در میان این زنان، بعضاً زنان و دخترانی نیز پیدا می‌شدند که نوازندگانی متبحر و ماهر بودند و در بزمها و مهمانی‌های زنان طبقات اعیان، ساز می‌زدند و آواز می‌خواندند. این مسئله به‌ویژه از آن‌رو اهمیت داشت که بزمهای زنانه تک‌جنسیتی برگزار می‌شد و در این بزمها نیاز به نوازندگان یا هنرمندان زن بسیار احساس می‌شد. اگرچه در برخی مهمانی‌ها تلاش می‌شد پسران و نوجوانان را با لباس‌های زنانه بیارایند و آنان را برای نوازندگی و خوانندگی در مجالس زنانه ببرند، اما وجود نوازندگان زن نیز قابل توجه بود. کارلاسرنا با اشاره به وجود نوازندگان خانم در مجلس یکی از زنان اعیان تهران، مهارت آنان و جایگاهی که در این مهمانی‌ها داشتند را قابل توجه می‌داند. «میان خدمه شاهزاده عصمت‌الدوله، نوازندگان زن نیز حضور داشتند. در یکی از تالارها و راهروهای قصر، یکی از این نوازندگان دختر با حرکاتی آتشین به پیانو نوازی مشغول بود و از هر بخش از این ساز صدای متنوعی تولید می‌کرد (کارلاسرنا، ۱۳۶۲: ۲۳۵).

## ۷. مطالعه به‌مثابه یک کنشِ نادرِ سرگرم‌کننده و نسبت آن با زیست زنانه

در میان سفرنامه‌نویسان این دوره، کمتر سفرنامه‌نویسی به کتاب و کتاب‌خوانی و به‌طور کلی فرهنگ مطالعه به‌مثابه کنشی فرهنگی و سرگرم‌کننده در میان زنان ایرانی اشاره کرده‌است. قلت این داده‌ها به اندازه‌ای است که می‌توان مدعی بود این گزینه به‌طور کلی با زیست زنانه و سبک زندگی زنانه در جامعه ایران عصر قاجار تناسبی نداشت. درصد بسیار پایین جمعیت باسواد ایران، حساسیت‌های فزاینده نسبت به درس خواندن زنان و دختران، باارزش قلمداد نشدن مطالعه و آموزش و درس خواندن به‌مثابه یک ارزش والای اجتماعی، ناتوانی در پوشش هزینه‌های تحصیلی زنان، اقتدار ارکان سنتی در ساختار اجتماعی، عدم نیاز جامعه ایران این دوره به‌مثابه جامعه‌ای پیشامدرن به سوادآموزی و مطالعه زنان و مؤلفه‌هایی از این نوع، در کم‌رنگ بودن این کنش فرهنگی در میان زنان ایرانی نقش داشتند. شاید بتوان این واقعیت اجتماعی را در یکی از روایت‌های کارلاسرنا مشاهده کرد. این روایت در عین تلخی و گزندگی ویژه‌ای که در خود مستتر دارد، بازتابنده واقعیتی است که در این دوره در نسبت میان زیست زنانه، جنسیت زنانه و مسئله سرگرمی و تفریح وجود داشت و مطالعه و دانش‌آموختن را تحت تأثیر گرایش‌های زنانه دیگری قرار می‌داد که در این دوره متداول‌تر بود. وی با اشاره به گرایش‌های اندک ایرانیان به نوشتن، وسایلی همچون کاغذ، دوات و قلمدان را بخشی از دکوراسیون فرهنگی برخی منازل ایرانیان این دوره معرفی می‌کرد. اما وقتی که کار به نسبت زنانه با این وسائل فرهنگی می‌رسید با اشاره به موقعیت اندرونی زنان در خانه‌ها، می‌نوشت «در قسمت اندرون، زن‌ها کم می‌نویسند و کم می‌خوانند. برای زنان ایرانی، کتاب و قلمدان و کاغذ، جای خود را به لوازم آرایش از جمله قلمدان، سرمه و سرمه‌دان، سرخاب و حنا داده‌است. این وسایلی است که زنان ایرانی برای سیاه کردن مژه‌ها و ابرو، آرایش صورت و قرمز کردن بخش‌هایی از اندام خود استفاده می‌کنند» (کارلاسرنا، ۱۳۶۲: ۷۳).

## ۸. گردش در بازار و خیابان به‌مثابه تفریح و سرگرمی زنانه

شاید محدودیت‌ها و حساسیت‌های فزاینده نسبت به حضور فعالانه زنان در فضاهای عمومی شهری، مهم‌ترین دلیلی بود که تردد آن‌ها در مکان‌ها و مسیرهای پرتردد شهر را با

چالش مواجه می‌ساخت. در واقع، تحت تأثیر گفتمان جنسیتی این دوره، حضور بی‌پروا و آزادانه زنان در مکان‌هایی همچون بازارها و خیابان‌ها، همواره با چالش‌های جدی مواجه بود. در میان سفرنامه‌نویسان دوره قاجاریه، اشاره‌های چندانی نسبت به حضور پررنگ زنان در بازارها مشاهده نمی‌شود. دلیل این فقدان روایت‌ها خواه به دلیل کم‌رنگ بودن حضور زنانه در مکان‌های پرتردد شهری بوده باشد یا خواه به دلیل غفلت ضمنی سفرنامه‌نویسان از این مسئله؛ هرچه هست این جنبه از زیست زنانه که موجودیت آن را با فضاهای مهم شهری و مسئله جنسیت زنانه و تفریح پیوند می‌داد، تقریباً مغفول مانده‌است. در این میان، معدودی از سفرنامه‌نویسان همچون کنت دوگوبینو، حضور زنان در فضاهای شلوغ شهری همچون بازارها را روایت کرده‌اند. اگرچه توجه دوگوبینو در این زمینه بیش از هر چیز، به نوع پوشش زنانه در بازار معطوف شده‌است؛ با وجود این، وی تأکید می‌کند که بازار و حضور در آن برای زنان فارغ از ابعاد اقتصادی، محلی برای تفریح و سرگرمی نیز بود و آنان بعضی روزها ساعت‌ها از وقت خود را در عین پوشیدگی کامل بدن، در بازارها به گشت‌وگذار اختصاص می‌دادند. «در میان ازدحام و شلوغی بی‌پایان بازار، دسته‌هایی از زنان نیز مشاهده می‌شوند که در دسته‌هایی دوتایی و چهارتایی در حال گردش و تفریح‌اند. همه به‌طور یکسان خودشان را در چادرهای وال، چیت و بعضاً ابریشمی می‌پوشند که سرتاپای آنان را می‌پوشاند. صورتشان را با قطعه‌ای پارچه سفید که زیر چادر پشت سرشان بسته می‌شود و از جلو تا روی زنی می‌افتد محکم پوشانده‌اند. این مسئله دیدن و حتی حدس زدن صورت هایشان و شناسایی آنان را غیرممکن ساخته‌است. قسمت جلویی این پارچه که جلو چشمانشان است، مشبک‌دوزی شده‌است تا بتوانند از این روزن‌ها، بیرون را ببینند و نفس بکشند. زیر این حجاب آبی تیره که چادر نامیده می‌شود یک شلوار گشاد نیز می‌پوشند» (دوگوبینو، ۱۳۸۳: ۳۰۸).

دوگوبینو در ادامه بر ابعاد تفریحی بازار برای زنان اشاره می‌کند. آنچه اهمیت دارد اینکه کنش‌های زنانه در بازار در این دوره مجموعه‌ای از رفتارها، هنجارها و عرف‌های زنانه را نمایان می‌سازد و تا حدودی مؤید این ادعاست که در بسترهای اجتماعی ایران عصر قاجار و در فقدان بسترهای فراهم‌تر برای تفریح و سرگرمی زنانه، مکانی همچون بازارها و خیابان‌ها

با آن‌همه زرق‌وبرق و جذابیت‌های متنوع، می‌توانست ساعت‌ها از وقت و زمان زنان را به خود اختصاص دهد. اگرچه این نکته حائز اهمیت است که دسترسی برای بازار احتمالاً در این دوره برای تمامی زنان از همه اقشار و طبقات به یک اندازه نبود و برای تمامی زنان حضور فعالانه در بازار به‌مثابه فضایی مفرح میسر نبود. «زنان در این بازارها، در برابر بساط یک دکان چمباتمه می‌زنند؛ قواره‌های پارچه‌های ابریشمی و نخی را به هم می‌ریزند؛ بحث می‌کنند، مقایسه می‌کنند، صحبت می‌کنند، می‌خندند و در آخر، چون نمی‌توانند تصمیم نهایی را بگیرند برمی‌خیزند و به دکان دیگری می‌روند و این کار را مانند زنان بسیاری از کشورها چندین بار تکرار می‌کنند بی‌آنکه چیزی بخرند. آنچه قابل توجه است اینکه در تمامی این زمان‌های حضورشان در بازار و علی‌رغم تمامی این تحرکات، اندک گوشه‌ای از حجابشان کنار نمی‌رود و صورتشان دیده نمی‌شود» (دوگوبینو، ۱۳۸۳: ۳۰۹).

کنت دوگوبینو از ورای توصیف‌های خود از نحوه کنش‌گری زنانه در بازار اشاره‌های دیگری دارد که می‌توان از خلال آن به بخشی از بنیان‌های جامعه‌شناختی و فرهنگ ایرانی در این دوره پی برد. در آنچه وی نقل می‌کند، نوعی پویایی و تحرک اجتماعی در بازار دیده می‌شود که به دلیل ماهیت آن و ظرفیت‌های بالای آن در جهت گردهمایی‌های هرروزه، به محلی برای تلاقی‌های عمومی، کسب اخبار، پخش شایعات و بسی اخلاقیات و هنجارهای اجتماعی تبدیل می‌شده‌است که زنان بخش مهمی از این فرایندهای اجتماعی در درون بازار به شمار می‌آمده‌اند. این مسئله درعین حال، فضای حاکم بر معاشرت‌ها، رفت‌وآمدها، فرهنگ حاکم بر اجتماعات ایرانی و به‌طورکلی اجتماعات ایران را نمایان می‌سازد و مسئله‌ای که در عین جدیت، ابعاد سرگرم‌کننده و تفریحی نیز دارد. «فروشندگان بازار سعی می‌کنند تا به هر وسیله‌ای این سرگشتگی‌ها و تردیدهای زنانه را حل‌وفصل کنند و اونها را راضی بکنند تا جنس آنان را بخرند. در این فرایند و تحرک‌های زنانه، کلیه شایعه‌ها و بدگویی‌های شهری از دکانی به دکان دیگر در گذر است و بازار را پر می‌کند. در یک گوشه درباره سیاست، در گوشه دیگر درباره شایعات موجود درباره حرمسرای شاهی، شایعات درباره رسوایی‌ها و اتفاقات عجیب‌وغریب، دعوای فلان خانم با همسرش و بسیار موضوعات روتین روزمره را دهان‌به‌دهان می‌گردانند و بازار را لبریز از آن می‌کنند. در این زمان، انواع گفت‌وگوها و جروب‌ها، دعوایها، هیاهوها قابل مشاهده است. صدای همهمه، فریاد، خنده، ناله، شکوه و

هل دادن چنان بلند است که گویی الان سقف بازار به زمین خواهد افتاد» (دوگوبینو، ۱۳۸۳: ۳۰۹).

گرتود بل نیز در زمره آن دسته سفرنامه‌نویسانی بود که مشاهداتش از بازارها و به‌ویژه بازار قزوین از منظر چگونگی حضور زنان در این بازار قابل توجه بود. بل با اشاره به ظاهر عرفی و مرسوم زنانه در بازار، پوشش زنانه را بخشی از الزامات حضور زنان در فضاهای عمومی شهری همچون بازار می‌دانست و برخی تفریح‌های موردعلاقه زنان در بازارها را توصیف می‌کرد. «در شهر قزوین پیش می‌رفتیم، خیابان‌ها باریک‌تر و پرجمعیت‌تر می‌شد. پر از مردان عبا به دوش و زنان چادرپوش که در جلو دکان‌ها مشغول خرید و فروش، میوه خوردن و گپ زدن بودند» (بل، ۱۳۶۳: ۸۸). گاسپار دروویل نیز خود شاهد زنان بسیاری بود که در طول روز در بازارها به گشت‌وگذار می‌پرداختند و از تفریح در آن لذت می‌بردند. درویل اضافه می‌کند برخی از این زنان بدون اینکه الزاماً قصد خرید کردن داشته باشند صرفاً از بازار به‌عنوان جایی برای وقت‌گذرانی و تفریح استفاده می‌کردند و بعضی زمان‌ها حتی سه ساعت به صحبت کردن با هم مشغول می‌شدند و می‌خندیدند (نک: دروویل، ۱۳۷۰: ۶۸). هنری بروگش و فوریه هم به این اشتیاق زنانه در بازار و سرگرم شدنشان اشاره کرده‌اند (بروگش، ۱۳۷۴: ۹۸؛ فوریه، ۱۳۲۶: ۶۲).

## ۹. بازی‌های زنان

در میان طیف نه‌چندان متکثر تفریح‌های زنانه در جامعه عصر قاجار، اشاره به بازی‌هایی که زنان در آن مشارکت داشته باشند زیاد نیست. سفرنامه‌ها غالباً در این زمینه روایت‌های چندان قابل توجه نقل نکرده‌اند اما در این میان، اشاره‌هایی در این زمینه در سفرنامه دیولافوا قابل توجه است. دیولافوا که با هدف اکتشافات باستان‌شناختی از بوشهر عازم شوش بود، مشاهدات اندک خود درباره برخی بازی‌های زنانه را نقل کرده‌است. روایت دیولافوا از حرم یکی از منتفدین بوشهری به اسم حاج‌جابر ثبت شده‌است که بنابر آنچه نگارنده نقل کرده‌است، زنان فراوانی در خیمه حاج جابر حضور داشتند. «خانم‌ها در اطراف یک فانوس بزرگ نشسته‌اند و مشغول بازی ورق هستند. ورق‌ها را سه به سه تقسیم می‌کنند و خال بزرگ‌تر برنده می‌شود. مبلغ بُرد هم زیر پای پر از خلخال و حلقه هر کدام از بازیگران زن مخفی می‌شود.» (دیولافوا، ۱۳۷۶: ۵۱)

## نتیجه

در این پژوهش با تکیه بر محتوای سفرنامه‌ها، نمایان شد که مسئله تفریح و جنسیت، به شکلی درهم‌تنیده و عمیق، تحت تأثیر نظم ساختاری و گفتمان جنسیتی مسلط در جامعه این دوره قرار گرفته‌است. تفریح به‌مثابه یکی از مهم‌ترین گرایش‌ها و تمایلات طبیعی آدمی در این نظم سازمان‌یافته پیشامدرن، تحت تأثیر وضعیت‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه قرار داشت. بنابراین، جنس تفریح‌ها و سرگرمی‌ها، ساده و با پیش‌پافتاده‌ترین ابزارها و وسائل انجام‌شدنی بود. این وضعیت بازتابی قابل‌توجه در سفرنامه‌ها پیدا کرد. سفرنامه‌های خارجی دوره قاجار، مجموعه‌ای از روایت‌ها و مشاهدات متنوع در زمینه تفریح و جنسیت زنانه به دست دادند و با ارائه توصیف‌هایی جزئی و مهم، بخشی از گرایش‌های تفریحی زنانه در این دوره را مورد توجه قرار دادند. نگاه سفرنامه‌ها به زیست‌جهان زنان ایرانی ابعاد و زوایای بسیار متعددی داشت. این منابع با تأکیدی که بر فضاهای عمومی این دوره همچون بازارها و خیابان‌ها، حمام‌ها، خانه‌های شخصی و منازل عمومی و قصرها، تکایا و امامزاده‌ها داشتند، نوع مرادات و گرایش‌های زنانه در زمینه تفریح را در این اماکن توصیف کردند. از محتوای این روایت‌ها تا حدودی مشخص شد که فضاهای عمومی چگونه تحت تأثیر نظارت‌ها و حساسیت‌های مردانه، به جایگاه تفریحی محدودی برای زنان تبدیل شد. همچنین روایت سفرنامه‌ها نشان داد که چگونه در فقدان فضاهای عمومی وسیع برای تفریح و سرگرمی زنانه، اماکنی همچون حمام‌ها، بازارها، تکایا و امامزاده‌ها به مهم‌ترین فضاهای موجود برای زنان و تفریح‌های آن‌ها مبدل شد.

## منابع

### کتاب‌ها

- استارک، فریا (۱۳۶۴). *سفری به دریا: الموت، لرستان، ایلام*، ترجمه محمدعلی ساکی، تهران: علمی.
- بارنز، آکس (۱۳۶۶). *سفرنامه بارنز: سفر به ایران در عهد فتح‌الحی‌شاه قاجار*، ترجمه حسن سلطانی‌فر، مشهد: آستان قدس رضوی، معاونت فرهنگی.
- براون، ادوارد گرانویل (بی‌تا). *یک سال در میان ایرانیان: مطالعاتی در خصوص وضع زندگی و اخلاق و روحیات ملت ایران*، ترجمه ذبیح‌الله منصور، تهران: معرفت.
- بنیامین، ج.و. (۱۳۶۹). *ایران و ایرانیان: نخستین سفیر ایالات متحده در ایران*، ترجمه محمدحسین کردبچه، تهران: جاویدان.
- بلوشر، بیپرت فون (۱۳۶۳). *سفرنامه بلوشر*، ترجمه کیکاووس جهاننداری، تهران: خوارزمی.
- بروگوش، هنری (۱۳۷۴). *در سرزمین آفتاب*، ترجمه مجید جلیلود، تهران: نشر مرکز.
- پولاک، یاکوب ادوارد (۱۳۸۴). *سفرنامه پولاک: ایران و ایرانیان*، ترجمه کیکاووس جهاننداری، تهران: خوارزمی.
- دالمانی، هانری رنه (بی‌تا). *سفرنامه از خراسان تا بختیاری*، ترجمه فره‌وشی مترجم همایون، تهران: چاپ گیلان.
- دروویل، گاسپار (۱۳۷۰). *سفرنامه دروویل*، ترجمه جواد محیی، تهران: گوتنبرگ.
- دلریش، بشرا (۱۳۷۵). *زن در دوره قاجار*، تهران: حوزه هنری.
- دوگوبینو، ژوزف آرتور کنت (۱۳۶۷). *سفرنامه دوگوبینو: سه سال در آسیا (۱۸۵۸-۱۸۵۵)*، مترجم عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران: کتاب‌سرا.
- دیولافوا، مادام ژان (۱۳۷۶). *سفرنامه خاطرات باستان‌شناسی در شوش*، ترجمه ایرج فره‌وشی، تهران: دانشگاه تهران.

- سرنا، کارلا (۱۳۶۲). *سفرنامه مادام کارلاسون، آدمها و آئین‌ها در ایران*، ترجمه علی‌اصغر سعیدی، تهران: زوار.
- سلطان‌زاده، حامد (۱۳۹۷). *تاریخ تفریح در شهر تهران در دوره قاجار و پهلوی*، تهران: نگارستان اندیشه.
- حجازی، بنفشه (۱۳۹۹). *تاریخ خانم‌ها: بررسی جایگاه زن ایرانی در عصر قاجار*، تهران: قصیده‌سرا.
- فلاندن، اوژن (۲۵۳۶). *سفرنامه فلاندن به ایران*، ترجمه: حسین نورصادقی، تهران: اشراقی.
- فلور، ویلم (۱۳۸۷). *تاریخ اجتماعی روابط جنسی در ایران*، ترجمه محسن مینوخرد، بی‌جا: فردوسی.
- فوریه، ژوانس (۱۳۶۳). *سه سال در دربار ایران*، مترجم اقبال آشتیانی، تهران: پر.
- ویلز، ادوارد (۱۳۶۸). *سفرنامه دکتر ویلز: ایران در یک قرن پیش*، ترجمه غلامحسین قراگوزلو، تهران: اقبال.
- یوشیدا، ماسهارو (۱۳۷۳). *سفرنامه یوشیدا*، ترجمه هاشم رجب‌زاده، مشهد: آستان قدس.

#### مقاله‌ها

- شریعتی، نائله؛ بهرام‌نژاد، محسن؛ عادل‌فر، باقرعلی و فلاح‌ت توتکار حجت (۱۴۰۰). تأثیر فقه شیعه بر جایگاه زنان در نظام خانواده عصر قاجار (از آغاز تا مشروطیت)، *تاریخ‌نامه ایران بعد از اسلام*، ۱۲(۲۸)، ۱۳۰-۱۰۵.
- علیزاده بیرجندی، زهرا و ناصری، اکرم (۱۳۹۴). بررسی مشارکت‌های اقتصادی زنان شهری در عصر قاجار با تکیه بر گزارش سیاحان خارجی، *تاریخ‌نامه ایران بعد از اسلام*، ۶(۱۱)، ۱۵۲-۱۲۷.